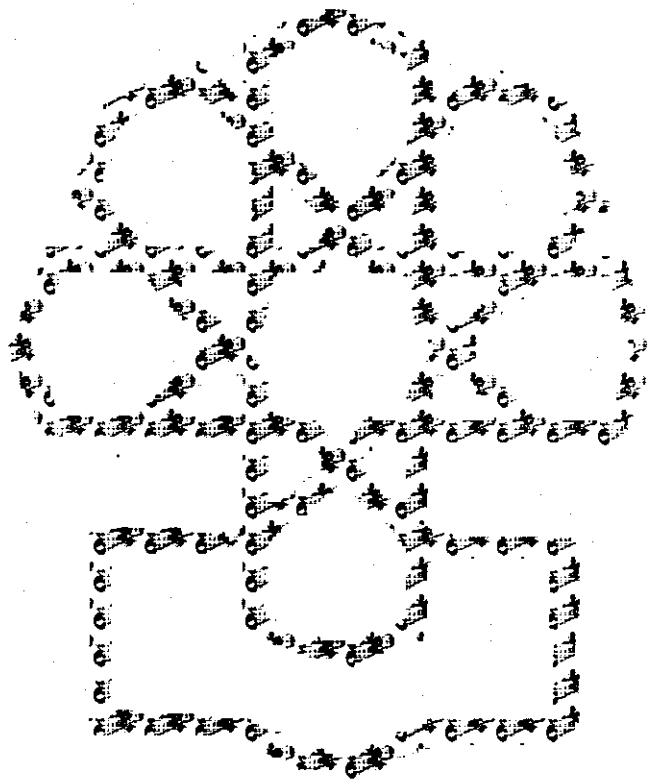




کار در نظام ارزشی اسلام



معاونت پژوهشی
فروردین ۱۳۷۷

کار: گروه (۱) خدمات پژوهشی

کد گزارش: ۴۱۰۳۲۵۱

بسمه تعالی

کار در نظام ارزشی اسلام

کد گزارش: ۴۱۰۳۲۵۱

مقدمه

اسلام در کنار پرداختن به مسائل اخروی و به موازات آن اهمیت خاصی برای مسائل دنیوی انسان‌ها و تلاش و کوشش برای بهتر زیستن در دنیا قائل است.

در روایات متعدد و آمده از ناحیه معصومین علیهم السلام بر این موضوع و اهمیت تلاش و کار و کوشش برای درآمد حلال و اصلاح وضع مادی و دنیوی تأکید شده و آن را جزء برترین عبادات بر شمرده‌اند. چنانکه نبی مکرم اسلام حضرت محمد (ص) می‌فرمایند:

«العبادة سبعون جزء، افضلها جزء طلب الحلال».

حتی در بازه‌ای از موارد از این هم فراتر می‌روند تا آنجا که حضرت رضا (ع) می‌فرمایند: «کسی که کار می‌کند برای گذران زندگی خانواده‌اش، اجر او از اجر جهادکنندگان در راه خدا بزرگ‌تر است».

در جای دیگر این انسان کوشنده و تلاشگر برای کسب حلال در پایان یک روز کار و کسب درآمد حلال هنگام استراحت آمرزیده شده محسوب می‌شود.

«قال رسول الله... (ص): «من بات كالأمن طلب الحلال بات مغفور الله».

به موازات این گونه توجه و تشویق و ترغیب، بیکاری و تنبلی به شدت مذموم و جزء کارهای ناپسند ذکر می‌شود.

قال الصادق (ع): «انما... عزوجل يبغض كثرة النوم وكثرة الفراغ».

چنانکه ذکر شد از مجموعه این احادیث این گونه نتیجه می‌شود که اسلام بالاترین جایگاه ممکن را برای کار و طلب روزی حلال برای خانواده در نظر دارد و برخورد رسول گرامی اسلام را در برخورد با کارگری که دست وی از کار تاول زده و به اصطلاح پینه بسته و بوسیدن دست وی و فرمودن این مهم که «این دستی است که به آتش جهنم نمی‌سوزد» خود بهترین نمونه برخورد عملی معصومین علیهم السلام با مسئله کار و کارگر می‌باشد.

فصل اول- کار در نظام ارزشی اسلام

۱- تعاریف

در تعریف کار می‌توان موارد متعددی از مفاهیم را ارائه نمود. در فرهنگ علوم اجتماعی کار را چنین تعریف می‌کنند:

«کار، عمل انسانی است که با تمام وجودش و به جهت توانایی ناشی از پیش‌نگری که به کمک عقل به او تفویض شده است، طبیعت را در آن جهت که به خدمت اهدافش درآید و به او امکان فعلیت یافتن

استعدادهایش را دهد، متقاعد می‌سازد».

جامعه‌شناسی کار انسانی را آفرینش امر فایده‌بخش می‌داند و دانشمند دیگری کار را این‌گونه تعریف می‌نماید:

«کار عمل هوشیارانه انسان است بر روی ماده و وجه مشخصه انسان از حیوان است». فریدمن درباره کار عقیده دارد:

«مجموعه اعمالی که انسان بر روی ماده با هدفی معطوف به فایده و مصلحت، با کمک مغزش، دست‌هایش و ابزارها و ماشین‌ها به انجام می‌رساند. این اعمال نیز به نوبه خود بازتابی بر انسان دارند و او را معتدل می‌سازند». صرف‌نظر از تعاریف فوق کار در اقتصاد عبارت است از:

«تولید کالا یا ارائه خدماتی که با حرکات بدنی انجام می‌شود یا مقدمه‌ای است برای انجام کارهای بدنی خاص و تنظیم و اداره آنها». یعنی در حقیقت کار شامل مدیریت هم می‌شود و مدیری که با مهارت و دانش خود، کار می‌کند کارش اقتصادی است.

۲- ارزش کار

به هر حال، کار اقتصادی از عام‌ترین مفهوم تا خاص‌ترین مفهومش می‌تواند مورد بحث و بررسی و ارزشیابی قرار گیرد.

البته شرایط و نیاز جامعه هم می‌تواند به عنوان عامل مؤثری در ارزش‌گذاری کار دخیل باشد.

مثلاً ممکن است در بعضی از جوامع کار مدیریتی ارزش بیشتری داشته باشد و در بعضی دیگر از جوامع کار دستی و بدنی بیشتر مورد احتیاج باشد.

در بحث جاری به این مطلب خواهیم پرداخت که به واقع جایگاه کار و انواع آن در نظام ارزشی اسلام کدام است.

متأسفانه یکی از عیوب و نقایص جوامع انسانی این است که در اثر شرایط خاص اجتماعی ارزش‌هایی مطرح بشوند که براساس آنها کار به مفهوم اخص کلمه یعنی کار بدنی، از ارج و ارزش لازم برخوردار نیست. معمولاً در جوامعی که نظام سرمایه‌داری حاکم است چنین وضعی پیش می‌آید. زیرا در این گونه جوامع پول مصداق ارزش می‌شود و ارزشمندترین کارها پول‌سازترین آنها خواهد بود.

این آفتی است که در جوامع انسانی پدید می‌آید و ضررهای زیادی هم در پی دارد. هم ضرر فردی دارد، هم ضرر اخلاقی، هم ضرر اجتماعی و هم ضرر اقتصادی.

۳- ارزش وجوه کار در اسلام

به راستی در جامعه ما مطلب از چه قرار است. آیا کار بدنی به عنوان ارزش مطرح است یا خیر؟ ثانیاً، نظر اسلام در این باره چیست؟ ثالثاً، اگر مشکلی هست چگونه و چطوری می‌توانیم به کمک منابع اسلامی آنها را حل کنیم؟

در منابع اسلامی به کار از زوایای مختلفی پرداخته شده و وجوه ارزشی دیگری علاوه بر وجه اقتصادی آن مورد دقت و امعان نظر قرار گرفته است.

از جمله این که کار کردن برای انسان یکی از عوامل سلامتی بدن می‌باشد.

امیر المؤمنین علی (ع) می فرماید:

«کسی که بیشتر کار می کند توان بدنی اش بیشتر است و کسی که کم کار می کند به رخوت و فترت مبتلا می شود». امروز این مطلب از نظر علمی نیز ثابت شده است که سلامتی بدن احتیاج به تحرک دارد و تحرک یکی از عوامل ضروری سلامتی بدن است. پزشکان به کسانی که کار فکری دارند و فاقد کار بدنی هستند توصیه می نمایند که ورزش کنند و ورزش یک جانشین بدلی برای کار طبیعی است. چون ساختمان بدن با مصالح انسانی هماهنگ است. خدای متعال انسان را طوری آفریده که با بدنش کار کند. بنابراین کار بدنی یکی از فوایدش سلامتی است.

یکی دیگر از منافع کار، منفعت اخلاقی اجتماعی است که به خصوص در روایات اسلامی مورد تأکید واقع شده است. در اینجا کار به معنایی وسیع تر از مفهوم اقتصادی مطرح شده و بیشتر مفهوم اخلاقی آن مورد نظر است. یعنی کار در مقابل تنبلی و سستی قرار دارد و تنها توجه به کار اقتصادی که نتیجه اش به جامعه برمی گردد و در مقابل آن پول پرداخت می شود نیست، بلکه شامل تحرکات مربوط به زندگی فردی انسان هم می شود. کار به این معنا که مصداق هر دو مفهوم اخلاقی و اقتصادی باشد، یکی از منافع اش جلوگیری از مفاسد اجتماعی است. جمله معروفی هست که: «اشغل نفسک والا شغلتک».

نفست را مشغول کن وگرنه نفس تو را مشغول می کند.

در کتاب توحید مفضل از امام صادق (ع) این گونه نقل شده است که می فرماید:

«اگر خدای متعال طوری انسان را آفریده بود که مثل پرندگان روزی شان جلوی چشم شان آماده بود و فقط از سبزی زمین و دانه ها و گیاهان استفاده می کردند و احتیاجی به فعالیت بدنی نداشتند، مبتلا به مفاسد اجتماعی می شدند».

یکی دیگر از زوایایی که اسلام در مورد کار مطرح می نماید مسئله بعد سیاسی کار و نتایج مثبت آن برای جامعه می باشد. خدای متعال برای کشور اسلامی و برای مؤمنان عزت خواسته است. چنانکه می فرماید: «العزة لله و لرسوله و للمؤمنین». خداوند اجازه نداده که مسلمانان در مقابل کفار احساس حقارت و ذلت نمایند علی الخصوص جامعه اسلامی در مقابل جوامع غیراسلامی.

یکی از مصادیق بارز این عزت و ذلت در وابستگی اقتصادی جامعه به جوامع دیگر می باشد. اگر کشور اسلامی و مؤمنان از نظر اقتصادی وابسته به اجانب و غیرمسلمانان باشند و ناچار گردند برای تأمین مایحتاج خویش، دست خود را به سوی غیرمسلمانان دراز کنند و این جنبه عمومی پیدا نماید، یعنی وابستگی کامل داشته باشیم، باعث سرافکنندگی یا خواری و خفت آنها و بالطبع صرف نظر نمودن یا کوتاه آمدن از مواضع و معیارهای شان می گردد.

از این جنبه نیز آنچه به عنوان درمانی مؤثر در اسلام تجویز می شود، کار است. آری اسلام کار را موجب قطع وابستگی می داند و از این نظر به کار ارجح می نهد.

اسلام نمی خواهد و اجازه نمی دهد که مؤمنان و جامعه اسلامی به عنوان عقب افتاده و طفیلی بین دیگر جوامع مطرح باشد. زمانی این وابستگی و سرشکستگی رفع می شود که کار به معنای وسیع اش، چه کار دستی و چه کار مدیریتی رواج پیدا نماید.

یکی دیگر از جوهی که در اسلام برای کار به عنوان ارزش مطرح شده است مسئله اکتساب حلال است و پرهیز از درآمد حرام و شغل کاذب.

در احادیث ماکرراً به مسئله داشتن شغل جهت کسب پول حلال و آثار و منافع آن چه در بُعد فردی و چه در بُعد اجتماعی و به اصطلاح اقتصاد جامعه اشاره گردیده است و از آن به عنوان عملی استجابی و حتی عبادت نام برده شده است. تا آنجا که می‌فرمایند:

«الکاد علی عیاله کالمجاهد فی سبیل...» که در مقدمه به آن پرداخته شد. به عنوان جمع‌بندی مطالب فوق می‌توان اظهار داشت که کار در نظام ارزشی اسلام، دارای جایگاهی ویژه می‌باشد و تأکید اسلام بر کار بدنی (علاوه بر کار فکری) به عنوان تمرینی برای سلامتی جسم و روح می‌باشد و از دیدگاه مسائل اقتصادی نیز کار در اسلام، علاوه بر این که می‌تواند به عنوان منبعی برای درآمد و تأمین مخارج ضروری انسان مطرح شود در بعد کلان نیز با گسترش و سرایت فرهنگ کار جامعه اسلامی از وابستگی اقتصادی به جوامع غیراسلامی رهایی می‌یابد.

فصل دوم- نیروی انسانی و توسعه

اقتصاددانان از مدت‌ها پیش مهم‌ترین عنصر تشکیل دهنده ثروت مولد یک کشور را سرمایه‌های فیزیکی می‌دانستند. اما بنا به تازه‌ترین ارزیابی‌های برنامه عمران ملل متحد، سرمایه فیزیکی به طور متوسط تنها ۱۶ درصد ثروت مولد را تشکیل می‌دهد. براساس این ارزیابی، سرمایه طبیعی ۲۰ درصد و سرمایه انسانی ۶۴ درصد ثروت مولد یک کشور را تشکیل می‌دهند. در این قسمت نقش نیروی انسانی در فرایند توسعه کشورها به تفصیل مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱- جایگاه نیروی انسانی

اکنون اغلب کشورهای در حال توسعه، با توجه به تمامی مشکلات سرمایه‌گذاری و نیروی انسانی، پی برده‌اند که علت عقب ماندگی این کشورها تنها کمبود سرمایه فیزیکی نیست، بلکه کمبود سرمایه‌های انسانی مانند: مهارت‌های فنی و حرفه‌ای و همچنین عدم توجه کافی به رشد مداوم نیروهای شاغل مانع بزرگی است که بر سر راه صنعتی شدن و توسعه یافتن این کشورها قرار دارد. زیرا کمبود یا ضعف نیروهای انسانی منجر به کاهش ظرفیت‌های تولیدی اقتصاد می‌شود و در نتیجه اقتصاد قادر نخواهد بود از سرمایه‌های فیزیکی موجود استفاده کامل و مناسبی ببرد. به این دلیل به عقیده بسیاری از اقتصاددانان تمرکز و تقویت بنیه سرمایه‌های انسانی عامل مهم‌تری از تمرکز سرمایه‌های مادی و فیزیکی در جریان توسعه اقتصادی کشورهای در حال توسعه است. در حقیقت بدون اصلاح و بهبود کیفیت نیروی انسانی، پیشرفت اقتصادی و اجتماعی ناممکن است.

۲- استراتژی توسعه منابع انسانی

عمدتاً سه عنصر اصلی در تمامی استراتژی‌های نیروی انسانی برای غلبه بر کمبودها و مازادهای نیروهای انسانی در کشورهای در حال توسعه وجود دارد. این سه عنصر عبارتند از:

- ۱- ایجاد محرک‌ها و انگیزه‌های لازم و مناسب؛
- ۲- آموزش مؤثر نیروی انسانی استخدام شده؛

۳- توسعه ملی نظام آموزش رسمی.

این سه عنصر اصلی استراتژی توسعه نیروی انسانی با یکدیگر ارتباط دارند و پیشرفت یکی به پیشرفت دو عنصر دیگر بستگی دارد. بنابراین برنامه توسعه باید به گونه‌ای همه جانبه و همزمان در برگیرنده هر سه عنصر باشد. در این قسمت به علت پرهیز از طولانی شدن مطلب از عناصر فوق فقط نقش آموزش نیروی انسانی و تأثیر آن در فرآیند توسعه مطرح می‌گردد.

۳- تأثیر آموزش بر بهره‌وری نیروی انسانی

در بررسی نیروی انسانی عامل مدیریت و عامل نیروی کار می‌تواند مدنظر قرار گیرد. تکنیک‌های نو و طرح‌های جدید بدون نیروی انسانی آموزش دیده نمی‌تواند به طور مؤثر به کار گرفته شود. مطالعات نشان می‌دهد که همبستگی مثبت بسیار قوی بین آموزش و بهره‌وری وجود دارد. حتی مطالعات تطبیقی نشان می‌دهد که هر کشوری که دارای نیروی انسانی آموزش دیده بوده است از بهره‌وری و رشد اقتصادی بالاتری برخوردار است.

به نظر می‌رسد توجه و بها دادن بیشتر به رشد مهارت‌های فنی و حرفه‌ای از سوی دستگاه‌های ذی‌ربط با عنایت به شاخص‌های فنی می‌تواند به تحول در صنایع کشور منجر شود. در این راستا علاوه بر گسترش آموزش‌های حین کار می‌باید نظام آموزشی متناسب با صنایع و فن‌آوری کشور متحول شود. نکته حائز اهمیت توجه به مسئله آموزش‌های فنی و حرفه‌ای به صورت گسترده، به خصوص در مقاطع راهنمایی و دبیرستان است. باید رشته‌های تحصیلی با اهداف کاربردی بیش از پیش در آموزشگاه‌های حرفه‌ای ایجاد شود و با ترغیب دانش‌آموزان مستعد به منظور انتخاب این گونه رشته‌ها پشته‌ها پشته‌ها بخش صنعت را از نیروی انسانی با تحصیلات فنی و حرفه‌ای غنی‌تر کنیم.

فصل سوم- کارگران و انقلاب اسلامی

جنبش کارگری در ایران تحت تأثیر گسترش روابط با غرب، پیروزی انقلاب مشروطه و پیروزی انقلاب روسیه پدید آمد. نخستین جلوه‌های این جنبش را می‌توان در سال ۱۲۸۹ مشاهده کرد که در طی آن کارگران چاپخانه‌های تهران اتحادیه‌های کارگری تشکیل دادند و روزنامه‌ای تحت عنوان «اتفاق کارگران» منتشر کردند.

در سال ۱۳۰۰ حدود ده اتحادیه کارگری تشکیل شده بود. این اتحادیه‌ها، اتحادیه عمومی مرکزی کارگران را تشکیل دادند. از همان سال به بعد، فعالیت سیاسی در بین کارگران ادارات و سازمان‌های دولتی نیز گسترش یافت، اما فعالیت اتحادیه‌ها در زمان حکومت قوام‌السلطنه (۱۳۰۱-۱۳۰۲) با محدودیت‌های عمده‌ای مواجه شد.

فعالیت‌های سیاسی بخش و اتحادیه‌های کارگری در دهه ۱۳۲۰ به اوج خود رسید. طبقه کارگر صنعتی ایران در آن دوران بیشتر در صنایع نفت، نساجی و افزارمندی اشتغال داشت. در واکنش به تحریک و بسیج کارگران توسط حزب توده، دولت در سال ۱۳۲۵ وزارت کار را تأسیس کرد تا با ایجاد اتحادیه‌های کارگری دولتی از نفوذ رو به گسترش اتحادیه‌های کارگری وابسته به چپ بکاهد.

بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، علاقه حکومت هم به تشکل های رسمی کارگری کاهش یافت. بعدها هم همه اتحادیه های کارگری تحت کنترل حزب ایران نوین قرار گرفتند. حزب ایران نوین ظاهراً به عنوان داور بین کارگر و کارفرما عمل می کرد. از سال ۱۳۳۲ تا سال ۱۳۴۱ تنها ۳۰ سندیکای رسمی غیر فعال موجودیت داشتند. اما در عین حال دولت از نیروی کارگری به نحوی در هراس بود و سعی در کسب رضایت آنان را داشت. در این سال ها کوشش های محدودی در زمینه سهیم کردن کارگران در ۲۰ درصد از سود کارگاه ها، تعیین حداقل دستمزدها و فروش سهام کارخانه ها به کارگران انجام گرفت. در همین زمان (سال ۱۳۴۳) دولت فعالیت اتحادیه های کارگری تحت کنترل وزارت کار را مجاز دانست. در پی این تصمیم دولت، در طی هفت سال، تعداد اتحادیه های کارگری از ۱۶ اتحادیه به ۵۱۹ اتحادیه کارگری در سال ۱۳۵۱ افزایش یافت.

البته این سندیکاها تنها مجاز به فعالیت جداگانه بودند و حق تشکیل فدراسیون را نداشتند. به منظور کنترل این سندیکاها دولت سازمان چترمانندی به نام سازمان کارگران ایران را تشکیل داد.

از اوایل دهه ۱۳۵۰ اعتصابات پراکنده ای به وقوع پیوست که دولت شاه به منظور کم کردن فشار، کارفرماها و مدیران کارخانه ها را وادار به افزایش حقوق کارگران نمود.

بر طبق آمار موجود از سال ۱۳۴۹ تا ۱۳۵۶ بیش از ۱۴۰ اعتصاب کارگری به وقوع پیوست که حدود ۱۱۰ اعتصاب آن در کارخانه های بزرگ با بیش از ۱۰۰ کارگر انجام گرفت. همچنین حدود ۱۰۰ اعتصاب مسالمت آمیز بود که در بیش از نیمی از آنها تقاضاهای کارگران برآورده گردید.

در آستانه پیروزی انقلاب در سال ۱۳۵۷ کارگران با توجه به جو سیاسی به وجود آمده همگام با دیگر اقشار مردم کشورمان به اعتصابات و فعالیت سیاسی پرداختند و در اکثر کارخانه ها کمیته اعتصاب کارگری ایجاد شد. این کمیته ها با هوشیاری کامل و با پیروی از فرامین رهبر انقلاب حضرت امام خمینی (ره) نقش محوله را به خوبی ایفا نمودند که به عنوان بارزترین آن می توان از اعتصاب کارگران صنعت نفت که منجر به فلج اقتصادی رژیم شاه گردید اشاره نمود.

این کمیته ها بعد از پیروزی انقلاب به شوراهای کارگری تبدیل شدند و با گذشت زمان شوراهای اسلامی کار شکل گرفتند. پس از وقوع جنگ تحمیلی کارگران نیز همدوش با سایر اقشار ملت در قالب بسیج مقاومت در صحنه های مختلف جبهه و جنگ حضور پیدا نمودند و شهدای زیادی نیز تقدیم اسلام و جامعه اسلامی نمودند. پس از اتمام جنگ و در دوره سازندگی نیز کارگران همچنان به حضور پررنگ خود در فضای سیاسی و اقتصادی جامعه تداوم بخشیدند. با تصویب قانون کار جدید وضعیت رفاهی کارگران به مراتب بهتر شد. در کنار فعالیت های اقتصادی کارگران همچنان به فعالیت های سیاسی خود در جامعه ادامه داده اند و از این نظر شاید بتوان آنها را از فعال ترین و حساس ترین اقشار جامعه محسوب نمود. حضور چند نماینده از خانه کارگر در دوره پنجم مجلس شورای اسلامی خود نشانگر عزم سیاسی کارگران و وحدت و همدلی آنان و حساس بودن شان نسبت به سرنوشت خویش می باشد.

فصل چهارم - قانون جدید کار

در سال ۱۳۶۹ قانون کار جدید به تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام رسید. این قانون که به صورت

لایحه از سوی دولت به مجلس شورای اسلامی تقدیم شده بود به تصویب مجلس رسید ولی شورای نگهبان به علت مشکلات قانونی و شرعی موجود در آن، آن را مغایر شرع و قانون اساسی اعلام نمود. سپس در اثر اختلاف این موضوع به مجمع تشخیص مصلحت ارجاع شد که در آنجا به تصویب رسید.

صرفنظر از تأثیرات منفی که این قانون بر میزان اشتغال کارگران در واحدهای تولیدی و صنعتی و علی‌الخصوص کارگاه‌های کوچک داشته است، وضعیت رفاهی و شغلی مطلوبی را نیز برای کارگران به ارمغان آورده است. با گذشت چند سال از اجرای این قانون، خلأ ارزیابی از کارکرد آن کاملاً محسوس به نظر می‌رسید.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در راستای وظایف خویش و با احساس خلأ موجود طرحی را در سال ۱۳۶۹ در ارتباط با نقاط ضعف و قوت این قانون انجام داد که در طی آن با نماینده کارگران و رؤسای شوراهای اسلامی کارخانه‌ها مصاحبه شد و نقطه‌نظرات آنها دریافت گردید. خوشبختانه اکثریت این افراد قائل به بهتر شدن وضعیت امنیت شغلی و رفاهی کارگران در طی سال‌های پس از انقلاب اسلامی و علی‌الخصوص دوران سازندگی بوده‌اند.

به عنوان نمونه می‌توان به موارد زیر اشاره نمود که مورد توافق اکثریت نمایندگان کارگران بوده است.

- مناسب بودن میزان ساعات کار در هفته؛

- کم شدن اشتغال کودکان زیر ۱۴ سال؛

- مناسب بودن افزایش سالانه دستمزد؛

- جایگاه مناسب شوراهای اسلامی کار در قانون.

البته مواردی نیز وجود دارد که کارگران آنها را به عنوان نقاط ضعف مطرح نموده‌اند و خواستار تغییر و تصحیح آن گردیده‌اند.

به عنوان مثال مهم‌ترین آن عبارت است از:

- مسئله اشتغال کارگران موقت که اکثریت معتقد بودند در اثر اجرای قانون کار جدید بر تعداد استخدام‌های موقت افزوده شده است و خواستار آن بودند که زمینه‌های اصلاح قانون به نحوی که باعث حل معضل فوق شود فراهم آید.

رهیافت

۱- اسلام به موازات ارزشی که برای کار فکری و مدیریتی قائل است، معتقد به ارزشمند بودن کار بدنی ویدی نیز می‌باشد؛

۲- یکی از منافع مهم کار در کنار سایر جنبه‌های آن منافع اخلاقی و اجتماعی آن است که به وسیله آن تنبلی و سستی از افراد زائل می‌گردد و جای خود را به تحرک و آمادگی برای حل مشکلات زندگی و اجتماعی می‌سپارد؛

۳- از دیگر دستاوردهای بسیار مهم کار از دیدگاه اسلام، می‌توان به جنبه‌های رفع وابستگی جامعه اسلامی به جوامع غیرمسلمان و تضمین عزت و سربلندی مسلمانان در اثر کار و کوشش فراگیر در جامعه اشاره نمود.

- ۴- دانشمندان علم مدیریت در دهه‌های گذشته سرمایه‌های فیزیکی را به عنوان مهم‌ترین عامل ثروت می‌دانستند. اکنون به این نتیجه رسیده‌اند که گرانبهاترین سرمایه یک سازمان نیروی انسانی آن است؛
- ۵- سازمان‌ها و کشورهایی که در رسیدن به اهداف موفق بوده‌اند که نیروی انسانی و سازمان متقابلاً در راستای تعالی کوشیده‌اند. نمی‌توان از نیروی انسانی انتظار کارایی و بهره‌وری داشت ولی برای برآورده شدن خواسته‌های او کوشش نکرد و نمی‌توان از سازمان رفع حوائج مختلف را طلبید و برای رشد و توسعه آن از جان مایه نگذاشت؛
- ۶- امروز با سقوط قیمت نفت، لزوم بازنگری در ساختار اقتصادی و صنعتی کشور و همچنین تولیدات مختلف بیش از پیش احساس می‌شود. این امر توجه بیشتر به سرمایه‌گذاری‌های انسانی کشور برای نیل به اهداف را می‌طلبد.